

تکاپوهای آیت الله طالقانی^(ره) در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و دینی

شیرین احمدی | پژوهشگر، قم | shirin.taghrid@yahoo.com

اشاره

در طول تاریخ اسلام همواره عالمان دین‌داری پیدا شده‌اند که آهنگ خرافه‌زدایی و بازگشت به سرچشمه‌های اصیل وحی را داشته‌اند. این عالمان از یک سو به تجدید حیات دینی قیام نموده و از سوی دیگر سعی در احیای حیات سیاسی-اجتماعی مسلمانان کرده‌اند.

یکی از احیاگران سده چهاردهم شمسی در ایران آیت‌الله سید محمود طالقانی بود. مردی عالم، مجتهد، روشنفکر و نوگرا در عرصه تفکر و عمل که نقش وی در جریان‌ات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران از برجستگی خاص برخوردار است. هدف نگارنده از این جستار پرداختن به جزئیات آرا و عقاید و نقش آیت‌الله طالقانی در مبارزات مردم علیه رژیم پهلوی دوم است.

کلیدواژه‌ها: محمود طالقانی، حکومت پهلوی دوم، انقلاب اسلامی، نهضت روحانیون



۱. خاندان

نسب سید محمود طالقانی [متولد ۱۵ اسفند ۱۲۸۹] (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۲۳) با چندین واسطه به امام محمد باقر (ع) باز می‌گردد و خاندان او که به سادات اورازان شهرت یافته‌اند، به‌طور مشخص از اعقاب امامزاده سید نصرالدین هستند که آرامگاهش در خیابان خیام تهران واقع است. (افراسیابی و همکاران، ۱۳۶۰: ۱۹)

سید محمود گاه به مناسبت‌های مختلف از مبارزات و مجاهدت‌های پدرش **سید ابوالحسن طالقانی (ره)** و پیوندش با **مدرس (ره)** سخن گفته است. پدرش از خواص و محارم اسرار مدرس به شمار می‌آمد و هیچ‌گاه رابطه‌اش را با وی نگسست. هنگامی که سخت‌گیری‌های رژیم زورگوی رضاخان نسبت به مدرس افزایش یافت و او مجبور به سکوت شد، ابوالحسن طالقانی شب‌ها به دیدار مدرس می‌شتافت و پیام‌های سیاسی او را به افراد مورد نظر ابلاغ می‌کرد. سید محمود که خود در برخی از این دیدارها حضور داشته خاطرۀ دیدارش با مدرس را چنین بازتاب داده است:

«من جوان بودم و چند بار در خدمت پدرم به حضور آقارفته بودیم. سخنان او محکم و باصلابت ادامه می‌شد و مراسم تحت تأثیر قرار داده بود. روزی آقا از پدرم سؤال کرد: این پسر را چه نام گذاشته‌ای؟ پدرم گفت سید محمود. مدرس گفت ان‌شاءالله محمود عاقبت خواهد داشت...» (باقی، ۱۳۷۶: ۱۴۸)

۲. تحصیلات

سید محمود طالقانی تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه ملارضا واقع در میدان امین‌السلطان تهران پی گرفت. همزمان تا ده‌سالگی صرف و نحو را نیز آموخت و به پیشنهاد و راهنمایی پدر جهت ادامه تحصیلات به قم عزیمت کرد و در مدرسه رضویه که بعدها به علت واقع شدنش در مسیر خیابان تخریب شد، ثبت‌نام کرد. پس از چندی به مدرسه فیضیه وارد شد. وی تحصیلات حوزوی خود را در فضای سهمگین استبداد پهلوی اول آغاز کرد که دامنه اقتدار و نفوذ آمرانه دولت در نهان‌ترین لایه‌های اجتماعی و مؤسسات علمی، آموزشی و دینی رسوخ یافته بود. (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۲۳)

رئیس و بنیان‌گذار حوزه علمیه قم - **شیخ عبدالکریم حائری یزدی (ره)** - از مراجع مهم روزگار خود با سید ابوالحسن طالقانی آشنایی نزدیک داشت، حجره‌ای به سید محمود اختصاص داد. وی نیز به‌طور تمام‌وقت به آموزش و فراگیری علوم دینی همت گماشت و بیشتر دروس را نزد آیت‌الله حائری (ره) تلمذ کرد. (افراسیابی و همکاران، ۱۳۶۰: ۲۹-۲۸)

قانون لباس متحدالشکل در ۶ دی‌ماه ۱۳۰۷ از تصویب مجلس گذشت و در آغاز سال ۱۳۰۸ به اجرا نهاده شد. این قانون تمام مردان کشور را، به استثنای طلبه‌هایی که اجازه رسمی در دست داشتند، یعنی خود را با مقررات دولتی تطبیق داده و از جانب چند مجتهد جامع‌الشرایط به رسمیت شناخته شده یا در آزمون‌های پیش‌بینی شده پذیرفته می‌شدند، ناگزیر می‌ساخت کت و شلوار اروپایی بپوشند و کلاه لبه‌دار پهلوی به سر نهند. (دیکار، ۱۳۷۷: ۱۱۳)

شیخ عبدالکریم حائری (ره) با برگزاری امتحانات مخالفت ورزید و در برابر آن مقاومت کرد. اما در پی مذاکرات حضوری میان مقامات وزارت معارف و رئیس حوزه علمیه و در پی فشارها و تهدیدات روزافزون دولت، آیت‌الله حائری (ره) به آن تن داد. در مقابل نیز، مقامات از پافشاری خود مبنی بر لزوم برگزاری امتحانات در تهران صرف‌نظر نمودند و پذیرفتند که امتحانات یاد شده از سوی وزارت معارف در همان حوزه‌های علمیه برگزار گردد. (فیاضی، ۱۳۷۸: ۹۵-۹۴)

در چنین فضای دشواری طالقانی تحصیلات خود را در حوزه علمیه قم ادامه داد. او با همه مشکلاتی که گفته شد دست‌وپنجه نرم کرد، در آزمون‌های مختلف وزارت معارف طی سال‌های متمادی شرکت جست و مراتب و مراحل تحصیلی را به هر مشقتی که بود پشت سر نهاد. (افراسیابی و همکاران، ۱۳۶۰: ۴۶۳-۴۶۲)

آیت‌الله طالقانی حدود ۱۵ سال در مدارس رضویه و فیضیه در محضر علما و فقهای بزرگ تلمذ کرد و در شمار زبده‌ترین طلبه‌های حوزه علمیه درآمد. او همان‌گونه که در کودکی در طی شش ماه در مکتب‌خانه قرآن کریم را به‌خوبی فرا گرفته بود،



آیت الله طالقانی حدود

۱۵ سال در مدارس

رضوییه و فیضیه در

محضر علما و فقهایی

بزرگ تلمذ کرد و

در شمار زبده ترین

طلبه های حوزه علمیه

درآمد



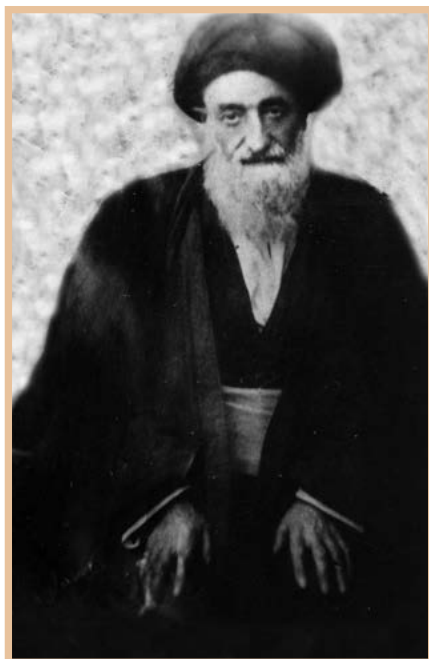
سید ابوالحسن طالقانی (ره)

پایانی حکومت پهلوی اول و پس از سقوط آن همواره جلسات دینی و نشست های مذهبی ویژه ای داشت که به صورتی سیار در خانه های مختلف تشکیل می شد و این سابقه خود زمینه ای برای تشکیل کانون های دینی پس از شهریور ۱۳۲۰ گردید. (مهیاری، ۱۳۷۷: ۴۶۳-۴۶۲)

۴. کانون اسلام

هسته اولیه این کانون را محمدعلی مهیاری از آموزگاران و دانش آموختگان دوره پهلوی اول بنا نهاد. مهیاری به تبعیت از پدرش که به مکتب داری اشتغال داشت، به دایر کردن نشست های مذهبی در صبح های جمعه مبادرت ورزید. وی این نشست های هفتگی را در خانه خود به رغم فشارهای روزافزون سیاسی که دولت هیچ تجمع بیش از سه نفر را نمی پذیرفت، با حضور اقشار مختلف از جمله محصلان و جوانان برگزار کرد. (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۶۱)

به تدریج گردانندگان این نشست ها با سید محمود طالقانی ارتباط یافتند. شخصیتی که هیئت های مشابهی را به شکل سیار اداره می کرد و از استقبال مناسبی برخوردار بود. همین امر مبنایی برای همکاری بیشتر و سرانجام ائتلاف و ادغام آن ها



دروس حوزوی را نیز به سرعت طی کرد، به طوری که مایه تحسین اساتید و هم درسان خود شد و موفق گردید از آیت الله حائری (ره) اجازه نامه اجتهاد و بعداً نیز از آیت الله مرعشی نجفی (ره) و شیخ عباس قمی (ره) اجازه نقل حدیث دریافت کند. (میرابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۳۵)

۳. طالقانی و تشکل های مذهبی

پس از شهریور ۱۳۲۰

فعالیت های طالقانی در چارچوب نشست های مذهبی و همچنین کانون های دینی به دوران کودکی وی باز می گشت. پس از شکست رضاخان در غائله جمهوری خواهی در سال ۱۳۰۳، به پیشنهاد سید ابوالحسن طالقانی یک مجلس منظم تبلیغ دینی و جواب گویی به مخالفان اسلام شکل گرفت. این نشست ها به پایگاهی جهت مرادفات و مباحثات دینی تبدیل شد و افراد متدین و حتی چهره های سرشناس سیاسی چون مدرس (ره) در آن حضور می یافتند. همچنین جمع انبوهی از مبلغان یا باورمندان به اهل کتاب و ادیان غیراسلامی در آن رفت و آمد داشتند که در جلساتی با حضور مردم به بحث می پرداختند. در همین نشست ها بود که عده ای به دین مبین اسلام مشرف شدند. (بازرگان، ۱۳۵۰: ۷۵)

برخورد مبتنی بر مدارا با فرق گوناگون برای محمود طالقانی که در این جلسات حضور منظمی داشت، نگرشی تساهل آمیز در ذهن و ضمیر آن ها پدید آورد که بعدها در مبارزات سیاسی شان آشکارا متجلی شد.

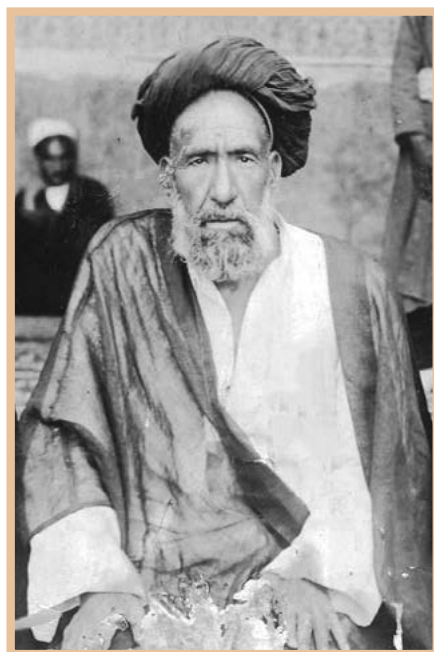
طالقانی که در چنین فضایی پرورش یافته بود فعالیت های حرفه ای خود را با خدمات اجتماعی و دینی پیوند زد و آن را به شیوه پدر ادامه داد. برخورد عقلانی وی با همه افراد صرف نظر از گرایش های سیاسی و مذهبی شان با وجود مخاطرات فراوان ادامه یافت. او در این مسیر حتی با مراکز مذهبی عیسویان ارتباط یافت. (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۶۰). او در برابر مخالفت ها و تذکرات دوستانش چنین استدلال می کرد که: «ما باید این ها را جذب کنیم» (بُدلاء، ۱۳۷۸: ۳۶) از این رو طالقانی سال های



در یکدیگر شد. از این پس طالقانی پایگاهی ثابت و مخاطبانی علاقمند یافت که با سخنرانی‌های مستدل مذهبی بر اشتیاق حاضران می‌افزود. (مهپاری، ۱۳۷۷: ۴۶۳)

پیدایش چنین تشکل‌هایی بازتاب نیازهای گروه‌های مذهبی و طبقات متوسط بود که پس از تحمل دو دهه تنگنا و فشار هراس‌آور، که هدف آن امحا یا به حاشیه راندن دین و نهادهای مذهبی بود، فرصت یافته بودند به جبران گذشته و رفع کاستی‌های موجود بپردازند. هدف عمده آن‌ها نیز مسائل آموزشی و فرهنگی، ارائه اسلام به مثابه دینی سازگار با نوگرایی و علم و عقلانیت بود. (گروه نویسندگان کمبریج، ۱۳۷۵: ۲۹۸). در واقع، در فضای اجتماعی-سیاسی پس از شهریور ۱۳۲۰ و با توجه به انزوای نیروها و نهادهای مذهبی و فعال شدن جریان‌های رو به رشد مارکسیستی و روشن‌فکری سکولار، اکنون جای خالی آن به شدت احساس می‌شد. (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۶۲)

کانون اسلام محل آشنایی و برخورد افکار و اشخاص بود و از سرتیپ نظامی تا صاحب‌منصبان عالی‌رتبه وزارت‌خانه‌ها، از استاد دانشگاه تا آموزگار، دانشجو، دانش‌آموز و کاسب بازاری در آن حضور داشتند. (بازرگان، ۱۳۵۰: ۷۷) علاوه بر طالقانی سخنرانان عمده آن عموماً از دانشگاه



آیت‌الله شهید
سید حسن مدرس (ره)

تأمین می‌شدند. (برزین، ۱۳۷۴: ۵۴) کانون اسلام در شمار نخستین مراکز آموزش‌های آزاد اسلامی و اجتماعی به سبک جدید بود که جمع انبوه مخاطباننش از طریق تشکیل نشست‌های سخنرانی و ایجاد قرائت‌خانه عمومی به اسلام مبتنی بر قرآن مجید و گفتار اهل بیت (علیهم‌السلام) دعوت می‌شدند. تفسیر قرآن مجید به وسیله آیت‌الله طالقانی، ترجمه نهج‌البلاغه توسط آیت‌الله میرزا خلیل کمره‌ای و ... انجام می‌گردید. مجموعه تولیدات مذهبی و علمی این کانون بعدها به صورت صدها مقاله یا کتاب علمی، تربیتی، دینی و سیاسی چاپ شد. (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۶۲)

کانون اسلام به نوبه خود یکی از مؤسسات فعال خیریه به‌شمار می‌آمد که در کنار تبلیغات دینی به این امر نیز همت می‌گماشت. در کنار کلاس‌های درس، انجمن‌های خیریه تأسیس می‌کرد و به بینوایان و فقرا که از قضا در شرایط بحرانی ناشی از جنگ جهانی دوم و اشتغال کشور تعداد آن‌ها رو به افزایش نهاده بود، یاری می‌رساند. (طالقانی، ۱۳۵۹: ۸)

۵. انجمن اسلامی دانشجویان

یکی دیگر از بسترهای فعالیت‌های فکری، دینی و آموزشی طالقانی پس از سقوط پهلوی اول، تشکلی مذهبی- دانشجویی به نام «انجمن اسلامی دانشجویان» بود. این انجمن در حرکتی خودجوش به همت دانشجویان اسلام‌گرای دانشکده پزشکی تهران شکل گرفت و بعداً شخصیت‌هایی چون طالقانی، رهبری سیاسی و هدایت فکری آن را بر عهده گرفتند. آن‌ها در پیدایش این جنبش به‌طور مستقیم نقش نداشتند اما نمی‌توان انکار کرد که گردانندگان این انجمن از فعالان «کانون اسلام» بوده‌اند و از نزدیک حلقه درس این افراد را تجربه کرده‌اند.

بذر این انجمن اسلامی بلافاصله در سایر دانشکده‌های دانشگاه نیز جوانه زد و به تدریج نه تنها در تمام دانشگاه‌های ایران، که در میان دانشگاه‌های جهان که دانشجویان مسلمان ایرانی در آن تحصیل می‌کردند، رسوخ یافت و به نهضتی

گسترده تبدیل شد. به تدریج با فارغ التحصیل شدن اعضای این انجمن‌ها و پیوستن آن‌ها به بازار کار و مشاغل اجتماعی، سلسله جدید انجمن‌های اسلامی صنفی چون پزشکان، مهندسان، آموزگاران و مانند آن تأسیس گردید. (گروه نویسندگان کمبریج، ۱۳۷۵: ۲۹۸)

انجمن اسلامی دانشجویان از وعاظ و استادان و نویسندگان برجسته برای سخنرانی دعوت به عمل می‌آورد که در رأس آن‌ها سید محمود طالقانی، قرار داشت و در کنار آن از چهره‌هایی چون محمدتقی فلسفی، حبیب‌الله آموزگار، دکتر شفق، دکتر عمید و... نیز بهره می‌گرفت. عمده فعالیت این انجمن‌ها نیز برگزاری همین سلسله سخنرانی‌ها بود که بعدها به شکل کتاب و جزوه در اختیار علاقمندان قرار می‌گرفت و بدین ترتیب در گسترش ادبیات نوگرای اسلامی سهم عمده‌ای ایفا می‌کرد. (ملائتی‌توانی، ۱۳۸۸: ۶۶)

انجمن‌های اسلامی توجه خود را بر فعالیت‌های فرهنگی جهت فائق آمدن بر بیگانگی و دوگانگی شایع در میان تحصیل‌کردگان غیرمذهبی متمرکز کرده بودند. از این رو می‌توان ادعا کرد که آن‌ها راه را برای **دکتر شریعتی**، شخصیتی که برخورد همه‌جانبه‌تر و ریشه‌ای‌تر با این پدیده را وجهه همت خود قرار داده بود، هموار ساختند. (گروه نویسندگان کمبریج، ۲۹۹-۲۹۸)

بدین ترتیب جمع اندکی که در آغاز حتی برای اقامه نماز با ناراحتی در فضای دانشگاه که اغلب کمونیست و بی‌اعتنا به دین بودند، می‌بایست مسخره کردن‌های آن‌ها را تاب بیاورد؛ پس از شش ماه تلاش شبانه‌روزی جمعیت کوچک ۷۰ نفری را در محیطی که بیش از ۱۵۰۰ کمونیست فعالیت داشتند گرد آورد.

۶. اتحادیه مسلمین

اتحادیه مسلمین، جمعیتی اسلام‌گرا بود که به‌دست **حاج سراج انصاری** پس از شهرپور ۱۳۲۰ بنیاد نهاده شد. این تشکل که ابتدا صرفاً جهت‌گیری مذهبی داشت، به تدریج به حرکتی اجتماعی-سیاسی تبدیل شد و تا حد زیادی متأثر از حرکت **سید جمال اسدآبادی**، رشید رضا،

محمد عبده و جنبش اخوان المسلمین بود. ارگان آن هفته‌نامه آئین اسلام بود که طالقانی نیز در آن مقالاتی می‌نگاشت. (ملائتی‌توانی، ۱۳۸۸: ۶۷)

این جمعیت نسبت به تهاجماتی که به عالم اسلام صورت می‌گرفت، واکنش‌های مناسب نشان می‌داد که اوج آن مخالفت با تأسیس دولت اسرائیل در سرزمین‌های اسلامی بود؛ چنان‌که در ۱۳۲۷ میتینگ بزرگی در مسجد(امام ره) سابق با هدایت آیت‌الله کاشانی و طالقانی ترتیب یافت که در آن نزدیک به ۱۰۰۰۰ نفر حضور داشتند. در پایان میتینگ ضمن اعلام همبستگی با فلسطینیان مقرر شد فعالیت‌های علمی و جدی برای پیوستن به جبهه نبرد علیه اسرائیل در میان جوانان ایرانی صورت پذیرد. اتحادیه مسلمین کانون این حرکت‌ها و پل ارتباطی ایرانیان با مسلمانان مبارز فلسطینی بود. حتی صندوقی برای جمع‌آوری کمک‌ها و دفتری نیز برای نام‌نویسی داوطلبان جهت اعزام به فلسطین و آموختن تعلیمات نظامی تشکیل شد. **حاج ابوالقاسم رفیعی** از دوستان نواب صفوی به داوطلبان آموزش نظامی می‌داد. این فعالیت‌ها تا حادثه ترور شاه در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ ادامه داشت اما از آن پس در پی مداخله رژیم تعطیل گردید. تأسیس این تشکل زمینه‌ساز مشارکت فعالانه‌تر جریان‌های اسلام‌گرا در نهضت ملی شدن نفت بود که اندکی بعد آغاز شد.

۷. طالقانی و اندیشه بیدارگری

معمولاً پایه‌گذار بیدارگری در جهان اسلام و «بازگشت به قرآن» را **سید جمال الدین اسدآبادی** می‌دانند (میرابوالقاسمی، ۱۳۸۹: ۸۳) طالقانی از این حرکت اصلاح‌طلبی و آزاداندیشی چنین یاد می‌کند: «مبنای این حرکت، کوشش‌هایی بوده است که طی سال‌ها مغزهای متفکر اسلام از زمان سید جمال الدین (ایرانی) و کواکبی (سوری) و محمد عبده (مصری) و... به‌وجود آوردند.» (طالقانی، ۱۳۵۷)

طالقانی به موازات مشارکت در کانون اسلام و هدایت فکری آن، ارتباطات خود را با مجامع دیگر ادامه داد. از جمله این تلاش‌ها سخنرانی‌های

**کانون اسلام در شمار
 نخستین مراکز
 آموزش‌های آزاد اسلامی
 و اجتماعی به سبک
 جدید بود که جمع‌انبوه
 مخاطبانش از طریق
 تشکیل نشست‌های
 سخنرانی و ایجاد
 قرابت‌خانه عمومی به
 اسلام مبتنی بر قرآن
 مجید و گفتار اهل بیت
 (علیهم‌السلام) دعوت
 می‌شدند**



منظم تفسیر قرآن او در مسجد منشورالسلطان
 واقع در حوالی پادگان حر (باغ شاه) بود. مخاطبان
 و شنوندگان این سلسله گفتارها را بیش از همه
 دانشجویان دانشکده‌های فنی، حقوق و پزشکی،
 دانش‌آموزان دبیرستان‌ها، تحصیلکردگان جدید
 و کارمندان تشکیل می‌دادند. گاهی اعضای
 برجسته کانون اسلام نیز در آن حضور می‌یافتند
 و پای منبر تفسیر طالقانی که با شیوه‌ای نوین
 صورت می‌گرفت، می‌نشستند. (ملائی توانی،
 ۱۳۸۸: ۶۸)

با رونق گرفتن این محافل به تدریج برنامه‌های
 جهت‌خانه‌ها در آموزشگاه شبانه دبیرستان پرتو
 دایر شد. (مهیاری، ۱۳۷۷: ۴۶۴) این استقبال‌ها
 سبب شد تا طالقانی قرآن را هر چه بیشتر با زندگی
 جدید به‌عنوان مبنای اندیشه و عمل پیوند دهد و
 نگاه متصلبانه و مقهور به آن را دگرگون سازد.

به تدریج جلسات مذهبی منشورالسلطان از سوی
 جوانان، دانشجویان، کارمندان و تحصیل‌کردگان
 با چنان استقبالی مواجه شد که فضای مجلس
 توان گنجایش ازدحام حاضران را نداشت؛ زیرا
 با سپری شدن دهه ۱۳۲۰ و آغاز دهه ۱۳۳۰
 و شکل‌گیری جنبش ملی شدن صنعت نفت و
 محبوبیت روزافزون نیروهای نواندیش و ملی و
 پیوند میان آن‌ها، بستر مناسبی برای فعالیت‌های
 سیاسی و گفت‌وگو جهت ابراز عقاید دینی و
 سیاسی فراهم شد. از آنجا که اغلب هواداران این
 حرکت از شنوندگان سخنرانی‌های طالقانی بودند،
 وی و هم‌فکرانش ناچار شدند فضای بزرگ‌تری را به
 این کار اختصاص دهد و همین امر مقدمه‌ای برای
 روی آوردن به مسجد هدایت و همچنین گسترش و
 نوسازی آن بود. (ترکمان، ۱۳۷۷: ۱۱۸)

۸. مسجد هدایت، پایگاهی مستحکم

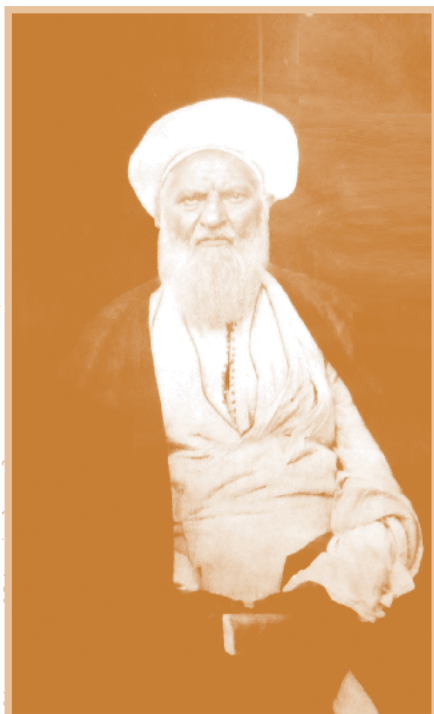
مسجد هدایت را مهدیقلی خان مخبرالسلطنه
 هدایت از نخبگان سیاسی و کارگزاران برجسته
 دوران قاجاریه، مشروطیت و عهد پهلوی اول
 بنا کرد. (مجله سروش، ۱۳۵۸: ۱۵) محل این
 مسجد در خیابان جمهوری کنونی در نزدیک

چهارراه لاله‌زار است.

مرحله دوم توسعه این مسجد توسط طالقانی
 صورت گرفت. وی پس از سید حسین گیلانی امام
 جماعت پیشین این مسجد به آنجا دعوت شد تا
 هفته‌ای یک جلسه درس تفسیر قرآن برگزار کند.
 طالقانی فضا و فرصتی تازه یافت تا پایگاه تبلیغ
 دینی خود را در این مسجد متمرکز سازد. در عمل
 نیز چنین شد. بنابراین جلسات بسیاری که قبلاً
 به شکل دسته‌گریخته از زمان پهلوی اول و در
 مکان‌های مختلف برگزار می‌شد، یکسره به مسجد
 هدایت انتقال یافت. هنگامی که رفت‌وآمدها به
 مسجد و حضور در جلسات تفسیر رو به فزونی نهاد،
 دیگر فضای موجود مسجد پاسخگوی نیازهای
 جدید نبود. لذا گسترش وضوخانه و فضای
 داخلی، ایجاد کتابخانه، کفشداری، ترمیم، توسعه
 و بازسازی آن در کانون توجه طالقانی قرار گرفت. در
 نتیجه، پس از یک رشته دیدارها و مذاکرات مفصل
 با سناتور مخبرالسلطنه هدایت طالقانی توانست
 اجازه نوسازی و ترمیم مسجد هدایت را به‌دست
 آورد. (افراسیابی و همکاران، ۱۳۶۰: ۱۰۷)

با آغاز دهه ۱۳۳۰ و هم‌زمان با گسترش مبارزات
 ملی شدن صنعت نفت، پایگاه فعالیت‌های
 سیاسی-مذهبی طالقانی از مسجد منشورالسلطان
 واقع در خیابان سپه غربی به مسجد هدایت
 انتقال یافت و با نوسازی و گسترش آن به کانون
 آموزش‌های دینی، تفسیر قرآن و همچنین
 سخنرانی‌های مذهبی و سیاسی تبدیل شد، چنان
 که موج عظیمی از دانشجویان و جوانان را به آن
 گسیل داشت. در دوره مبارزات ملی، به مرکز فعال
 انبوهی از ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان تبدیل شد.
 افرادی که به این مرکز رفت و آمد داشتند به‌طور
 رسمی در هیچ تشکلی عضو نبودند، بنابراین
 مسجد هدایت به پایگاه مذهب‌یون تبدیل شد که
 آیت‌الله کاشانی و فدائیان اسلام نیز در آن رفت و
 آمد داشتند. (ترکمان، ۱۳۷۷: ۱۱۹)

طالقانی شب‌های جمعه در این مسجد تفسیر قرآن
 می‌گفت؛ حرکتی که در آن روزگار چندان متعارف
 نبود؛ اما اینک تفسیر علمی و تحلیل‌های شگرف از
 بطن قرآن که توسط طالقانی ارائه می‌شد، همگان
 را مسحور خویش می‌ساخت و قرآن را به عرصه
 زندگی و عمل اجتماعی-سیاسی مردم می‌کشاند.



حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی (ره)

آزادی‌های سیاسی و مدنی و جلوگیری از فعالیت محافل فکری و تشکل‌های مبارز و مخالف، مسجد هدایت رونق تازه‌ای یافت و به تعبیر دکتر شریعتی چون: «مناره‌ای در کویر می‌درخشید.» گذشته از جلسات تفسیر قرآن، طالقانی به مقتضای شرایط سیاسی روز به ارزیابی و تحلیل مسائل جاری کشور می‌پرداخت. اسناد ساواک گواه آن است که وی درباره مسائلی چون بت‌شکنی و استبدادستیزی، اتحاد اسلامی، بیداری مذهبی، دفاع از مشروطیت و قانون اساسی، حمایت از نهضت‌های آزادی‌خواهانه ملت‌های دیگر، فساد اداری و اقتصادی کارگزاران حکومت، ترکیب نمایندگان مجلس و هیئت دولت، کودتای ۲۸ مرداد، مسائل تاریخی جهان اسلام و مقایسه آن‌ها با مسائل جاری کشور، حقوق زن در اسلام، غرب و... سلسله سخنرانی‌های مبسوطی ایراد کرده است. (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۱: ج ۱)

در پی گسترش فعالیت‌های مسجد هدایت و نفوذ روزافزون آن در میان جوانان و استقبال گسترده مردمی از این حرکت، این مسجد به اپوزیسیون سیاسی تبدیل شده بود، به گونه‌ای که سیاستمداران ملی‌گرا و نیروهای نوگرای مذهبی به سوی ایراد سخنرانی‌های ماهانه جهت روشنگری درباره مسائل کشور رهنمون شدند. بدین سبب، در فاصله زمانی برگزاری انتخابات مجلس بیستم ساواک از این سخنرانی‌های حساب‌شده ممانعت به عمل آورد و مسجد را برای مدت نامعلومی تعطیل کرد. در نتیجه طالقانی و سازمان دهندگان این گفتارها، در پی از دست رفتن این پایگاه مهم مبارزاتی، تصمیم گرفتند نشست‌های خود را به منزل **احمدعلی بابایی** یکی از هم‌زمان نزدیک طالقانی انتقال دهند. در اواخر ماه صفر که معمولاً مراسم روضه‌خوانی رونق داشت، این نشست‌های صبحگاهی آغاز به کار کرد. برای نخستین بار یک تریبون جایگزین منبر شد و به جای نشست کف اتاق، صندلی‌هایی در باغ گذاشته شد که به مراتب بیشتر از روضه‌خوانی شنوندگان را تحت‌تأثیر قرار می‌داد. در نخستین جلسه که صبح بسیار زود برگزار شد بسیاری از شخصیت‌های ملی و مذهبی حضور داشتند. اما پس از سه جلسه و سخنرانی شخصیت‌هایی چون طالقانی و مطهری،

از این رو شهربانی و بعدها ساواک و سایر نیروهای امنیتی رژیم حساسیت فوق‌العاده‌ای نسبت به این مسجد و گردانندگان آن نشان دادند. (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۲۲۹)؛ چنان که از قول مقامات امنیتی در دهه ۱۳۴۰ گفته می‌شد: «اساس تحریکات نسل جوان و انتشار عقاید ضدسلطنت سه مرکز دارد: مسجد هدایت، انجمن اسلامی مهندسين و مدرسه کمال.» (ترکمان، ۱۳۷۷: ۱۱۸).

در دهه‌های بعد تا زمانی که برای طالقانی امکان حضور در این مکان فراهم بوده، مسجد هدایت همچنان یکی از کانون‌های برجسته سیاسی-مذهبی دانشجویان اسلام‌گرا به‌ویژه انجمن‌های اسلامی باقی ماند. شرکت‌کنندگان در این نشست‌ها همواره با آمادگی قبلی حضور می‌یافتند تا بهره‌گیری خود را دوچندان کنند. به گفته یکی از فعالان: «مسجد هدایت بسیاری را متحول کرد. آیت‌الله طالقانی، با تمام وجود صحبت می‌کرد، حرکت‌های بدنش نیز شور و احساس سخنش را تشدید می‌کرد. وقتی می‌گفت: «الان حزب الله هم الغالبون» یا «هم المفلحون» واقعاً لرزه بر بدن آدم می‌افتاد و احساس مسئولیت را زنده می‌کرد.» (میثمی، ۱۳۷۹: ۸۸)

در آغاز هر جلسه ابتدا اخبار مذهبی مربوط به سراسر ایران یا سرزمین‌های اسلامی مبادله می‌شد، مانند احداث مساجد، شکل‌گیری کانون‌ها و تشکل‌های دینی، دارالتقریب الاسلامی و پس از آن سخنرانی، تفسیر و پرسش و پاسخ در می‌گرفت تا شاید قرآن دوباره به صحنه زندگی بازگردد. زیرا طالقانی معتقد بود: «این کتاب هدایت که چون نیم‌قرن اول اسلام، باید بر همه شئون نفسانی و اخلاقی و قضاوت و حکومت حاکم باشد، یکسره از زندگی برکنار شده و در هیچ شأنی دخالت ندارد. دنیای اسلام که با رهبری این کتاب روزی پیشرو بود امروزه دنباله‌رو شده، کتابی که سند دین و حاکم بر همه امور بوده مانند آثار عهد عتیق و کتاب ورد تنها جنبه تقدس و تبرک یافته و از سرحد زندگی و حیات عمومی برکنار شده و در سرحد عالم اموات و تشریفات آموزش قرار گرفته و آهنگ آن اعلام مرگ است...» (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۲۳۰)

در سال‌های پس از کودتای ۲۸ مرداد به دنبال لغو



تحصیل کرده به‌ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان و کارمندان داشت. از این‌رو، اداره کل انتشارات و تبلیغات پس از فروکش کردن بحران آذربایجان و کردستان و خطر الحادگرایی در میان نسل جوان از طالقانی دعوت به عمل آورد تا یک سلسله سخنرانی‌های دینی برای شنوندگان رادیو ایران با هدف پر کردن خلأهای مذهبی ارائه دهد. (افراسیابی و همکاران، ۱۳۶۰: ۴۶۴)

در این سلسله مباحث طالقانی برای ارتباط با مخالفانش از شیوه یکسانی پیروی نمی‌کرد؛ گاه از تک‌گویی به گفت‌وگوری می‌آورد و به شیوه مذاکره دوجانبه میان یک روحانی به‌عنوان نماینده قشر سنتی و مذهبی و یک دانشجو به‌عنوان نماینده قشر نوگرا و روشنفکر گفتارهای خود را ادامه می‌داد. محور این گفت‌وگوها بیشتر در حوزه اصلاح، تکلیف، تعیین هدف، روش قرآن، روش اولیا با بهره‌گیری از براهین و استدلال‌ات علمی و به‌ویژه برهان نظم بود. این مجموعه طی چهل

گفتار رادیویی ادامه یافت. (طالقانی، بی‌تا: ۲) طالقانی با توجه به کاستی‌ها و کمبودهایی که نیروهای مذهبی با آن رویارو بودند، تصمیم می‌گیرد با وجود همه مشکلات شخصی این بار را به دوش بکشد و به‌صورت خطابه و براساس منطقی استوار به نشر اصول تعلیمات دینی بپردازد. طبیعی است که چنین تلاش‌هایی جایگاه طالقانی را به‌عنوان مجتهدی نوگرا و سخنگوی مخاطبان جوان، هر چه بیشتر اعتلا بخشید. به همین خاطر بود که مدیر کل انتشارات از طالقانی خواست با توجه به علاقمندی شنوندگان رادیو به گفتارهای ایشان، نامبرده «این خدمت اجتماعی را مرتباً ادامه داده و تا پایان سال ۱۳۲۶ هر هفته دو گفتار تهیه و به اداره رادیو تسلیم فرمایند.» (افراسیابی و همکاران، ۱۳۶۰: ۸۳)

۱۰. همکاری طالقانی با مطبوعات اسلامی

جریان نواندیشی دینی در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ با بهره‌گیری از زبان و ادبیات نوین و رویکرد علمی-تحقیقی به انتشار یک رشته نشریات جدید

پلیس محل مذکور را شناسایی و علی‌بابایی را بازداشت کرد.

علاوه‌بر این طالقانی به دعوت مراکز و محافل اسلامی داخل کشور به شهرهای مختلف می‌رفت و سخنرانی‌های مهمی ایراد می‌کرد. از جمله ایراد سخنرانی به مناسبت نیمه‌شعبان در اراک در ۱۳۳۹ که با دخالت پلیس به خشونت گرایید و مراسم ناتمام ماند. (ملائی توانی، ۱۳۸۸: ۲۳۵) طالقانی اندکی پس از آزادی‌اش در ۱۳۴۱ بار دیگر مسجد هدایت را به کانون فعالیت‌های فکری و سیاسی تبدیل کرد و براساس اسناد موجود با وجود محدودیت‌هایی که علیه او اعمال می‌گردید، وی همچنان از اوضاع کشور انتقاد می‌کرد. حضور او باعث می‌شد تا این مسجد پایگاهی جهت اجتماع و فعالیت عناصر وابسته به جناح‌های مخالف درآید. (مجله یار، ۱۳۷۲: ۱۴۲)

۹. گفتارهای رادیویی

طالقانی به‌تدریج در سال‌های پس از ۱۳۲۰ به یک چهره شناخته‌شده مذهبی، نوگرا و مفسر قرآن تبدیل شد که هم سخنرانی‌ها و هم نشست‌های او مخاطبان فراوانی در میان اقشار جوان و

همت گماشت که می‌توان آن را سرآغاز شکل‌گیری مطبوعات مستقل مذهبی نامید. این نشریات که با تنوع خاصی به بررسی و تحلیل ابعاد گوناگون باورها، احکام و آموزه‌های دینی می‌پرداختند، هم در جذب مخاطب و هم در رقابت با جریان‌های رقیب، چهره‌ای موفق داشتند. بدون شک اگر چنین تلاشی در کوران فعالیت‌های مطبوعاتی صورت نمی‌گرفت، خلأهای بی‌شماری پدید می‌آمدند. در این حوزه چهره‌های دانشگاهی و روحانی به فراخور ذوق و توان علمی خود در معرفی اسلام به‌عنوان مکتبی پویا و توانمند و پاسخ به شبهات نسل نوگرا و جوان گام برمی‌داشتند یا در انطباق دین و علم و اثبات گزاره‌های دینی با دستاوردهای دانش جدید قلم می‌زدند.

طالقانی با بسیاری از این نشریات همکاری داشت که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به مجله **آئین اسلام** اشاره کرد. این نشریه به مدیریت نصرالله نوربانی و با حمایت علمی و اداری حاج سراج انصاری و با هدف ترویج دین و دفاع از آن در برابر اتهامات انتشار می‌یافت. (جعفریان، ۱۳۸۱: ۷۶-۷۳)

همچنین سلسله مقالات تاریخی همراه با ترجمه خطبه‌های نهج‌البلاغه و شرح و تفسیر مختصر آن نگاشت که در پایان از سوی متولیان نشریه به‌صورت کتاب مستقل «ترجمه و شرح نهج‌البلاغه» در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. علاوه بر این طالقانی پاره‌ای از تفسیرهای خود به نام «پرتوی از قرآن» را در این نشریه منتشر کرد. (ملائی‌توانی، ۱۳۸۸: ۲۳۸)

از نشریات دیگری که طالقانی در آن مقاله می‌نوشت می‌توان به مجلاتی چون: دانش‌آموز، آموزش و پرورش، حکمت، مکتب تشیع، نور دانش، مسلمین، سالنامه معارف جعفری و... اشاره کرد. سرانجام طالقانی پس از چهار دهه مبارزه و تحمل زندان با آن کهولت سن و فرسودگی جسم همچنان پیش‌تاز به صف انقلابیون و به جمع یاران و شاگردان پیوست و تا شکست رژیم پهلوی اول و پیروزی انقلاب از پای نشست. وی در ۱۹ شهریور ۱۳۵۸ در نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب اسلامی بر اثر سکته قلبی درگذشت و در بهشت زهرا به خاک سپرده شد.

۱. افراسیابی، بهرام و سعید دهقان، **طالقانی و تاریخ**، تهران: نیلوفر، چاپ دوم، ۱۳۶۰.
۲. بازرگان، مهدی، **مدافعات در دادگاه غیرصالح تجدیدنظر نظامی**، تهران: مدرس، ۱۳۵۰.
۳. باقی، عبدالعلی، **مدرس مجاهدی شکست‌ناپذیر**، تهران: گواه، ۱۳۷۶.
۴. بدلا، حسین، **هفتاد سال خاطره از آیت‌الله سید حسین بدلا**، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.
۵. ترکمان، محمد، **یادنامه دکتر یدالله سبحانی**، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس بازرگان، ۱۳۷۷.
۶. جعفریان، رسول، **جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی-سیاسی ایران سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۲۰**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۱.
۷. دیکار، ژان پیر؛ برنار هوکار و یان ریشار، **ایران در قرن بیستم** (بررسی اوضاع سیاسی اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی ایران در یکصد سال اخیر)، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز، ۱۳۷۷.
۸. طالقانی، محمود، بی‌تا، **گفتارها در زمینه دین، اجتماع، اخلاق، فلسفه و تربیت**، تهران: رادیو.
۹. _____، **محاکمات و خاطرات طالقانی به قلم و خط خودشان**، به کوشش بهرام افراسیابی، تهران: جنبش، ۱۳۵۹.
۱۰. _____، **سخنرانی قیام به قسط**، ۱۳۵۷.
۱۱. فیاضی، عمادالدین، **حاج شیخ عبدالکریم حائری** (مؤسس حوزه علمیه قم)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۲. گروه نویسندگان کمبریج، **سلسله پهلوی و نیروهای مذهبی به روایت کمبریج**، ترجمه عباس مخبر، چاپ سوم، تهران: طرح نو، ۱۳۷۵.
۱۳. ملائی‌توانی، علیرضا، **زندگینامه سیاسی آیت‌الله طالقانی**، تهران: نی، ۱۳۸۸.
۱۴. مهباری، محمدعلی، **کانون اسلام** (یادنامه دکتر سبحانی)، تهران: بنیاد فرهنگی مهندس مهدی بازرگان، ۱۳۷۷.
۱۵. میثمی، لطف‌الله، **از نهضت آزادی تا مجاهدین** (خاطرات لطف‌الله میثمی)، تهران: صمدیه، ۱۳۷۹.
۱۶. میرابوالقاسمی، محمدحسین، **طالقانی و دگرگونی تاریخ**، چاپ دوم، تهران: نی، ۱۳۸۹.
۱۷. نکوروج، محمود، **نهضت خداپرستان سوسیالیست**، تهران: چاپخش، ۱۳۷۷.
۱۸. یاران امام (ره) به روایت اسناد ساواک، **آیت‌الله طالقانی زبان گویای اسلام**، جلد ۲-۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۱.
۱۹. _____، **شهید حجت‌الاسلام دکتر محمدجواد باهنر**، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹.
۲۰. مجله یار، **درنگی در اسناد مبارزات و اندیشه‌های سیاسی آیت‌الله طالقانی**، شماره ۳۱ و ۳۲، سال هشتم، ۱۳۷۲.
۲۱. مجله سروش، **گزارشی از مسجد هدایت**، شماره ۲۱، سال اول، ۱۳۵۸.

طالقانی به تدریج در سال‌های پس از ۱۳۲۰ به یک چهره شناخته‌شده مذهبی، نوگرا و مفسر قرآن تبدیل شد که هم سخنرانی‌ها و هم نشست‌های او مخاطبان فراوانی در میان اقشار جوان و تحصیل‌کرده به‌ویژه دانشجویان و دانش‌آموزان و کارمندان داشت

داشت

